

علی فروتن



کشف معجزات قرآن به حکم کامپیوتر

(۲)

بخش نخست این مقاله قبلاً چاپ شده است ، اینک بخش
دوم و آخر آن :

يك كشف حیرت انگیز پیرامون طول آیات قرآن

برای اثبات « غیر عادی بودن » يك پدیده ، كوچك یا بزرگ فرقی ندارد ،
کرده چوب کبریت را روی زمین بریزید و به صورت منظمی قرار بگیرید (مثلاً به ترتیب
دوتا عمودی و یکی افقی) همان اندازه معجزه آسا است که پدیده های بزرگ کهکشانی...
اثبات يك «نظم علمی ریاضی» در ترکیب قرآن، امروز از طریق تحقیقات علمی جدید بیشتر
امکان پذیر است.

چنانکه پژوهشهای برخی از دانشمندان محقق امروز ، به کشف روابط پیچیده و-
فرمولهای محاسباتی بسیار دقیقی منجر شده است که حیرت انگیز است. بایقین به این امر که
چنین نظم علمی در ساختمان قرآن است، از طریق بررسی های آماری و به زبان ریاضی ،
به کشف قواعد دقیق و فرمولهای ریاضی و منحنی های کامل و سالمی توفیق یافته است که
از نظر من در اهمیت و شناخت، کشف «نبوتن» را در جاذبه منظومه تداعی می کند. این
قرآن شناس بزرگ نقطه شروع کارش این مسئله ساده است که آیات نازل شده در مکه

کوتاه است و آیات نازل شده در مدینه ، بلند . این يك مسئله طبیعی است. هر نویسنده یا سخنران ورزیده ، طول جملات و آهنگ کلمات سخنش را بر حسب موضوع سخن تغییر می دهد: مسائل توصیفی یا جملات کوتاه و مسائل تحلیلی و استدلالی ، بلند. آنجا که سخن ، تحریکی ، انتقادی ، و یا بیان اصول کلی اعتقادی است ، لحن ، شعاری می شود و عبارات کوتاه ، و آنجا که شروع داستان است و بیان کلام و نتیجه گیریهای اخلاقی و... لحن ، آرام و عبارات طولانی و آهنگ نرم...

مسائل طرح شده در مکه ، از نوع اول است و مسائل طرح شده در مدینه ، از نوع دوم. چه در مکه آغاز يك نهضت است و بیان اصول کلی اعتقادی و انتقادی و... در مدینه يك جامعه و مسائل حقوقی و اخلاقی و قصه های تاریخی و نتیجه گیریهای فکری و علمی ، اما قرآن يك سخن گفتن طبیعی است و ناچار تابع سبک زیبا و بلیغ سخن گفتن بشر و در نتیجه رعایت کوتاهی و بلندی آیات نیز ، به تناسب مفاهیم. اما اگر قبول کنیم که این کلام ، در عین حال که يك کتاب است ، يك طبیعت نیز هست ، باید این کوتاهی و بلندی بی حساب نباشد و طبق يك قاعده دقیق علمی ، از آیات کوتاه آغاز کند و بکنواخت و تصاعدی رو به آیات بلند رود. بر این اساس ، باید طول هر آیه ای ، کوتاه تر از آیه نازل شده سال پیش و بلند تر از آیه نازل شده سال بعد باشد و اندازه این طولانی شدن ، اندازه های دقیق و حساب شده باشد. بنا بر این در طول ۲۳ سال که وحی نازل می شده است ، باید ۲۳ طول معدل در آیات داشته باشیم.

بر این قاعده می توانیم ۲۳ ستون داشته باشیم که همه آیات بر حسب طول در این ستونها تقسیم بندی شود حال از کجا می توانیم بفهمیم که این تقسیم بندیها درست است؟ می دانیم که سال نزول بعضی از آیات قرآن معلوم است. برخی را روایات تاریخی معین کرده و صریحا گفته که در چه سال نازل شده است و برخی را از روی مفاهیم آن می توان تعیین کرد. مثلا آیاتی که احکامی چون تغییر قبله ، حرمت شراب ، وضع حجاب ، زکوة و خمس را بیان می کند و آیاتی که از « هجرت » سخن می گویند سال تعیین این احکام معلوم است با شگفتی فوق العاده می بینیم که این آیات - که سال نزولشان معلوم است - درست در همان ستونهای قرآنی گیرند که در این جدول از نظر معدل طول آیات ویژه هر سال فرض شده اند .

آنچه جالب تر است ، پیدا شدن دوسه مورد استثنائی است. به این معنی که سوره « مائده » آخرین سوره بزرگ نازل شده است ، در حالی که چند آیه از آن ، طبق این فرمول ، باید در سالهای اولیه نازل شده باشد. پس از تحقیق در متون تفاسیر و روایات اسلامی ، اقوال

مفسران معتبری را می‌یابند که گفته‌اند این چندآیه در اوایل نازل شده، اما از نظر تدوین در سوره « مائده » جای داده شده است. به این طریق می‌توان سال نزول هر آیه را از روی این ملاک ریاضی تعیین کرد و قرآن را برحسب سال نزول، نیز تدوین نمود.

چه سخنوری است در عالم که بتوان از روی طول عبارت، سال ادای هر جمله‌اش را معین کرد؟ بخصوص که این متن، کتابی نباشد که مثل يك اثر علمی یا ادبی نویسنده‌ای نشسته باشد و آن را در يك مدت معین و پیوسته نوشته یا سروده باشد، بلکه سخنانی است که در طول ۲۳ سال زندگی پر تلاطم يك انسان بر زبانش رفته و بویژه کتابی نباشد که نویسنده‌اش در يك موضوع - یا حتی زمینه تعیین شده‌ای - تألیف کرده باشد، بلکه مسائل گوناگونی است که به تدریج برحسب نیاز جامعه و در پاسخ به سؤالاتی که عنوان می‌شود، حوادث یا مسائلی که در مسیر مبارزه طولانی مطرح می‌شود، به وسیله رهبر بیان و سپس جمع‌آوری و تنظیم شده است.

* * *

کشف يك راز دیگر

اکنون از روی این جدول می‌توان مسائل بیشتری را در قرآن تحقیق کرد. مجموعه کلمات موجود در قرآن معلوم است. مجموعه کلمات نازل شده در هر سال را به سادگی می‌توان حساب کرد. ایشان حساب کرده‌اند از سال اول تا سال ۲۳ طول جمله‌ها (آیه‌ها) برحسب میزان مشابهی صعود می‌کند.

مجموعه کلمات قرآن، ۶۶۶ و مجموعه آیات، ۶۶۶ است. بنابراین بطور معدل، هر آیه شامل ده کلمه می‌شود که صعودی راستی را تشکیل می‌دهد. از نظر شماره، کلمات نازل شده در هر سال، به نسبت مشابهی افزایش می‌یابد این افزایش خارق‌العاده است. از اول بعثت تا سال وفات، درست در هر سال بدون کم و زیاد، ۵۰۰ کلمه بر مقدار کلمات نازل شده سال قبل افزوده می‌شده است. یعنی از طرفی سخن قرآن مثل سخن نویسندگان یا متفکران انسانی نیست که در موضوع یا زمینه خاصی غرق می‌شود و اثرش تابع ذہنیات، احساسات و عقاید خودش شکل می‌گیرد، بلکه غالباً « شأن نزول » دارد، یعنی برحسب مسائل عینی و تحول جامعه و نیازی که برای نهضت پیش می‌آید و آنچه در بیرون می‌گذرد، يك اثر علمی مجرد با يك نظام دقیق ریاضی تنظیم شده است، همچون منحنی تابش خورشید بر زمین، تابش وحی بر دل پیامبر، تابع خط سیر تصاعدی منظمی است.

حتی با این ملاکهای صورتی و بررسی‌های آماری، می‌توان به تحقیق درمحتوای معنوی قرآن نیز پرداخت. استاد قرآن شناس، به‌عنوان نمونه، تحقیقی جالب نیز کرده است. به این گونه که چند مسئله اعتقادی یا علمی را در قرآن انتخاب کرده از قبیل: توحید، نبوت، معاد، امر به معروف، جهاد...

در اینجا نیز، طرح هر یک از این مسائل طبق یک نظام دقیق ریاضی است. مثلاً از «جهاد» از سال اول تا سالهای نزدیک به «هجرت» خبری نیست. و طبیعی است که نباشد. نزدیکی‌های هجرت، اندک اندک آیات جهاد شروع می‌شود و یک منحنی کامل را طی می‌کند، به این صورت که مثلاً سال یازدهم ۱ آیه سال دوازدهم صفر آیه، سال سیزدهم ۳ آیه، سال چهاردهم ۵ آیه، سال پانزدهم صفر آیه، سال شانزدهم (سال دوم هجرت)، جنک بدر) ۹ آیه، سال هفدهم ۱۵ آیه، اینجا قله منحنی است از اینجا منحنی فرود می‌آید، درست با همان انحناهایی که بالا رفته بود! یعنی سال هجدهم باز ۹ آیه، سال نوزدهم صفر آیه، سال بیستم ۵ آیه، سال بیست و یکم ۳ آیه، سال بیست و دوم صفر آیه و سال بیست و سوم ۱ آیه. بنابراین اگر منحنی شروع، صعود، اوج، نزول و ختم آیات جهاد را بررسی کنیم، این شکل به دست می‌آید. و کاملترین و حساسترین و دقیقترین منحنی سالم (نرمال) به دست می‌آید. و این کاملترین و حساسترین و دقیقترین منحنی سالم (نرمال) در جهان طبیعت است که به نام «زنگ و اروانه» معروف است.

(نقل و تلخیص از فلق، نشریه دانشجویان دانشگاه بنقل از مجله خواندنیها)

شماره ۸ سال ۳۹)

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

